



گفت‌وگو با یاسر عسگری، مدیر یک انتشارات جوان و نوپا

«راه یار»، ناشر فرهنگ و تجربه انقلاب اسلامی است



۴

در آغاز

مهم نیست چقدر می‌خوانی

بگو «چه» می‌خوانی؟



میثم
رشیدی-مهرآبادی

سردبیر قفسه کتاب

خواندن زیاد کتاب، ترسناک است! نه این‌که خواندنش ترسناک باشد. درحقیقت، کسانی که زیاد کتاب می‌خوانند، آدم‌های ترسناکی می‌شوند. نه این‌که هیولا باشند یا قیافه‌شان تغییر کند. اتفاقاً آن قدر مهربان و دلنشین‌اند که آدم دوست دارد ساعت‌ها کنارشان بنشیند و حرف بزند. پشت‌به‌پشت، قهوه و چای بنوشند و درباره کتاب‌هایی که خوانده‌اند و لذت‌شان از آنها بگوید؛ اما این، همه ماجرا

نیست... ترسی که از آن حرف می‌زنیم اتفاقاً اصلاً به چشم نمی‌آید. باید ماه‌ها و سال‌ها هم‌نشین چنین افرادی باشید تا بلکه بتوانید به این واقعیت پی ببرید. آدم‌هایی که زیاد کتاب می‌خوانند، اگر خط سیر مطالعاتی‌شان مشخص و عالمانه نباشد، دچار توهماتی می‌شوند که آنها را از مسیر عادی و جریان واقعی زندگی دور می‌کند.

مدام، روند طبیعی روزگار و اطرافیان‌شان را با شخصیت‌های داخل کتاب‌ها مقایسه می‌کنند و گاهی به بن‌بست‌هایی می‌رسند که ممکن است برای آنها و سلامت‌شان مضر باشد.

همین اتفاقات اخیر، نمونه روشنی بود بر کم‌کاری نهادها و دستگاه‌های مسئول در برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابی برای جامعه. مدام نشستیم و برخاستیم و گفتیم «بچه‌ها را از کودکی کتابخوان کنید!» اما حواس‌مان نبود هر کتابی برای کودک‌مان خوب و مفید نیست. هر کتاب خوب و

بدی که روی ویتترین کتابفروشی‌ها دیدیم به شرط این که قیمتش با جیب‌مان همخوانی داشت را خریدیم و گذاشتیم جلوی فرزندمان. ما که برای خرید پفک و چیپس، نشان‌های مختلف را می‌سنجیدیم و محک می‌زدیم، هر محصول قلابی و مضر شامل چند برگ کاغذ صحافی‌شده را به نام کتاب، سر سفره فکر و ذهن کودک و نوجوان‌مان می‌بردیم و تشویقش می‌کردیم که بخواند. تازه اگر بیشتر می‌خواند، جایزه‌ای هم برایش در نظر می‌گرفتیم و سرمان را به نشانه افتخار، جلوی در و همسایه و فک و فامیل بالاتر می‌گرفتیم.

این قصه سر دراز دارد اما خلاصه‌اش این که هر کتابی مناسب کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان نیست. چیزی که از مقدار خواندن مهم‌تر است، نوع انتخاب کتاب است؛ کاری که در مسیر آن بسیار عقب‌مانده و کم‌کار بوده‌ایم.